

خاندان فیض کاشانی

این نوشتار در واقع به منظور تجلیل از مقام علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی جناب آقای دکتر علیرضا فیض، استاد بلندمرتبه و مدیر گروه آموزشی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران، که پس از ۴۳ سال خدمات با ارزش آموزشی و پژوهشی، در آغاز سال جاری به افتخار بزرگ بازنشستگی نائل آمده‌اند، تهیه گردیده است.

بخشی از آن به خامه مبارک استاد و بخشی از آن برپایه بیانات شفاهی ایشان بخشهای دیگر به همت جناب آقای دکتر باقری، از شاگردان و همکاران معظم له در گروه فقه، تألیف و تدوین شده است. امید می‌رود این مختصر، چون آثار ارزشمند و زندگی پربرکت استاد برای همه مفید افتد؛ همچنانکه انتظار می‌رود که از وجود پرفیض ایشان همچون گذشته بهره‌ها نصیب جامعه علم و ادب و فرهنگ گردد.

خاندان فیض کاشانی

شناخت منزلت علمی و کمال معنوی خاندان فیض کاشانی بی‌گمان در گرو تتبع و تحقیق جامع در آثار گرانبهایی است که از ایشان بر جای مانده است. از این رو از محضر جناب استاد دکتر علیرضا فیض در خواست شد تا به مصداق «اهل البیت ادری بما فی البیت»، شمه‌ای از فضایل این خاندان علم و فضیلت را واگوید. استاد این مهم را اجابت کردند و درباره مفسر این خاندان، ملا محسن فیض کاشانی به اختصار چنین نگاشته‌اند:

ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق) در خانواده‌ای عالم‌پرور به دنیا آمد، پدرش شاه مرتضی و جدش شاه محمود از دانشمندان و عارفان مشهور کاشان بوده‌اند. ملا محسن دو برادر دانشمند داشته، یکی به نام محمد نورالدین که از علمای اخباری به شمار می‌رفته و دیگری به نام ملا عبدالغفور. معتمد نورالدین فرزندی دانشمند به نام ملا

محمد هادی داشته که چند کتاب از جمله *مفاتیح الشرایع* ملامحسن فیض را شرح کرده است که جلد نخست آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ملا عبدالغفور نیز فرزند دانشمندی داشته به نام ملا محمد مؤمن، که کتابی با نام *اخلاق محمد مؤمن* تألیف کرده است.

ملا محسن فیض از محققان و محدثان و مفسران و حکیمان و عارفان بزرگ شیعه است که در همه علوم اسلامی کتابهای گرانقدری دارد و به علاوه دیوان اشعار حکیمانه او مانند سایر کتابهایش از شهرت و اعتبار زائد الوصفی برخوردار است. سید نعمت الله جزایری که خود یکی از شاگردان مبرز او بوده است در کتاب *زهر الربیع* (چاپ سنگی، ۱۲۹۷، ص ۱۶۴) در شرح احوال استاد خود مطالب دامنه‌داری آورده است که خلاصه‌ای از آن را می‌آوریم:

استاد محقق ملا محسن فیض کاشانی صاحب کتاب *وافی* و مؤلف قریب به ۱۰۰ (و) به روایتی دیگر (۲۰۰) کتاب و رساله دیگر، در قم نشو و نما یافت (لغت نامه دهخدا، ذیل فیض) و چون از ورود محقق بزرگ، سید ماجد بحرانی صادقی، به شیراز آگاه شد به آنجا کوچ کرد و علوم شرعی از فقه و تفسیر و حدیث و غیره را از آن عالم بزرگ، و در اصفهان از شیخ بهایی، فراگرفت و علوم عقلی را نزد حکیم فیلسوف ملا صدرالدین شیرازی خواند و دختر او را به زنی گرفت (نیز نک: فیض، *مبادی فقه و اصول*، ص ۲۱۴، ۲۱۵). وی نخستین کسی است که در علوم عقلی از صدرالمتألهین پیروی کرد و در دو کتاب معروف خود: *علم الیقین و عین الیقین* به شرح و توضیح عقاید استاد پرداخت. ملا محسن سه فهرست برای کتابهای خود نوشته و چنانکه از آنها بر می‌آید، وی بیش از هشتاد تألیف از خود بر جای نهاده که اغلب آنها مکرر به چاپ رسیده است. از اهم تألیفات او اینهاست:

۱. کتاب *الوافی*، ۲. *تفسیر الصافی*، ۳. *تفسیر الاصفی*، ۴. *علم الیقین*، ۵. *عین الیقین*، ۶. *الافق المبین*، ۷. *تشریح العالم*، ۸. *الجبر والاختیار*، ۹. *المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء* (یا *تهذیب الاحیاء*)، ۱۰. *مشوات* در تفسیر و تعبیر اصطلاحات شعرا و عرفا، ۱۱. *معتصم الشیعة* در فقه، ۱۲. *مفاتیح الشرایع* در فقه... (نک: مقدمه *محجة البيضاء والذریعة*).
- مهم‌ترین ویژگی ملا محسن فیض این بوده است که از هوچی‌گری و ناسزاگویی

دشمنان و عوام فریبان ترسی به دل راه نداده و آنچه را که بر پایه آیات و روایات و عقل، قابل قبول و صحیح تشخیص داده، گفته و نوشته است. منتقدان بر آنند که پاره‌ای از نظرات فقهی وی با اجماع مخالفت دارد و پاره‌ای دیگر با شهرت. اینک به اختصار آراء مهم او ذکر می‌گردد:

۱. عدم انفعال آب قلیل: خلاصه این فتوا این است که آب قلیل مانند آب کثیر و کر است که هر گاه یکی از اوصاف سه گانه آن به وصف نجس در آید نجس می‌شود و گر نه پاک است. او در این فتوی به احادیثی از جمله حدیث مشهوری که شیعه و سنی آن را به چند طریق روایت کرده‌اند استناد می‌کند. آن حدیث می‌گوید: «خداوند آب را پاک آفرید و چیزی آن را نجس نمی‌گرداند، مگر مزه یا رنگ یا بوی آن را دگرگون سازد». و در بعضی روایات آمده است که «هر گاه آب بر بوی مردار غلبه داشته باشد از آن بنوش و وضو بگیر، و هر گاه آب و مزه آن دگرگون گردد از آن منوش و وضو بگیر». ملا محسن در این مقام به مفهوم صحیح‌ه‌ای که می‌گوید: اگر آب به میزان یک کر برسد چیزی آن را نجس نمی‌کند، محققانه پاسخ گفته که تفصیل آن در مفاتیح الشرایع آمده است.

۲. عدم تنجیس متنجس: خلاصه این نظر آن است که متنجس، یعنی چیزی که به واسطه برخورد با نجاست نجس شده، منجس نیست و اگر چیزی با آن تماسی پیدا کند نجس نمی‌شود. از روایات معتبر استفاده می‌شود که شستن آنچه با عین نجاست ملاقات کند واجب و لازم است، ولی شستن آنچه با ملاقی نجاست ملاقات کند در صورتی که عین نجاست از آن ملاقی بر طرف شده باشد لازم نیست.

۳. جواز غنا: اخبار گوناگونی درباره غنا (آواز خوش) در دست داریم که برخی بر جواز و برخی بر حرمت آن دلالت دارند که بیشتر روایات نوع دوم ضعیف هستند. ملا محسن فیض غنای مذکور در احادیث را بر مصداق شایع آن که در زمان بنی امیه متداول و توأم با محرمانی بوده است حمل می‌کند. در حدیث آمده که حضرت زین العابدین علی بن حسین (ع) با آهنگ خوش می‌خواند و چه بسا اگر کسی از نزدیک وی می‌گذشت از آواز خوش او بیهوش می‌گردید. همچنین مردی از آن حضرت درباره خریدن کنیزی خوش آواز پرسید، فرمود اشکالی ندارد، اگر او را بخری و او با آواز خوش خود تو را به یاد بهشت اندازد. و باز در حدیث است که قرآن را با آوازی خوش و با ترجیع بخوانید که

خداوند صدای خوش را که با ترجیع همراه باشد دوست می‌دارد (نقل از مفاتیح الشرایع فیض). در کتاب گرانقدر وافی (جزء دهم، باب سی و چهارم) احادیث و مضامینی نزدیک به آنچه از مفاتیح الشرایع نقل شده، آمده است.

بعضی از فقها گفته‌اند: در سه مسأله فوق ملا محسن فیض بر خلاف اجماع فتوی داده است، اما آنچه بر خلاف مشهور فقها فتوی داده، بسیار است، از جمله: جواز تقلید از مجتهد میّت، وجوب عینی نماز جمعه، کفایت کردن هر نوع غسلی (واجب یا مستحب) از وضو، طهارت اهل کتاب، عدم وجوب خمس ارباح مکاسب و صنایع و زراعات در زمان غیبت امام (ع)، طهارت پوست حیوان مرده (مردار) در صورت دباغی شدن و مسائلی دیگر.

این فتاوی، بویژه فتوایی که مخالف اجماع فقها قلمداد شده، باعث گردید تا علما درباره این اعجوبه زمان عقاید متفاوتی ابراز کنند. گروهی در ستایش او چنان پیش رفته‌اند که گویی او را تالی تلو امام شمرده‌اند و گروهی دیگر به چیزی جز تکفیر او راضی نشده‌اند. جمعی نیز فقط به نقد برخی از آراء خاص او مبادرت ورزیده‌اند.

شرح زندگانی ملا محسن فیض در کتابهای بسیاری که در زمینه زندگانی دانشمندان تألیف شده، آمده است، از جمله: *روضات الجنات*، *قصص العلماء*، *زهرالریع*، *لؤلؤتی البحرین*، *انجم فروزان*، *گنجینه آثار قم*، *سلافة العصر فی شرح الصدر* تألیف خود ملا محسن فیض، *الذریعة*، *بستان السیاحة*، *حدائق المقربین* امیر محمد صالح شاگرد و داماد علامه مجلسی، *مجمع الفصحاء*، *ریاض العارفین*، *مرآت کاشان*، *آتشکده آذر* و غیره.

ملا محسن خود سه پسر به نامهای محمد معین‌الدین، احمد غیاث‌الانام و محمد علم الهدی داشته که جملگی از دانشمندان کاشان به شمار می‌آمدند.

ملا محسن برخی از تألیفات خود را به درخواست آنان نوشته، چنانکه کتاب ترجمه *الصلوة* را به نام محمد معین‌الدین تألیف کرده است. حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب *الذریعة* (ج ۲) به دنبال گفت و گو از کتاب *اضغاث احلام* فیض می‌افزاید که ملا محسن این کتاب را به نام فرزندش غیاث‌الانام نگاشته است.

بنا بر گفته استاد دکتر فیض، در منابع موجود اطلاعات اطمینان بخشی برای تنظیم دقیق و کامل شجره نسب مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد فیض (نک: سطور بعد) و

چگونگی اتصال ایشان تا ملامحسن فیض در دست نیست، اما بر پایه برخی روایات شفاهی نسبتاً معتبر این قدر معلوم است که غیاث الانام احمد، یکی از پسران ملامحسن، که از کاشان به خوانسار کوچیده و در آن شهر اقامت گزیده و هم در آنجا به تعلیم و تدریس و ارشاد پرداخته، جدّ اعلاّی آیت الله فیض (ره) بوده است و ظاهراً احفاد وی، چنانکه خواهیم دید، از خوانسار به قم آمده و در این شهر اقامت کرده‌اند. در مجموعه‌ای خطی (موجود در خاندان فیض در قم) نسخه‌ای از کتابی آمده است دربارهٔ تاریخ قم و حضرت فاطمه معصومه (س)، تألیف میرزا محمد فیض که از احفاد غیاث‌الانام و جدّ اعلاّی استاد دکتر فیض بوده‌اند.

استاد فیض به نقل شفاهی از والد ماجدشان، آیت الله العظمی فیض (ره)، نسب خویش را تا میرزا محمد (مؤلف کتاب تاریخ قم و ...) چنین روایت می‌کنند: علیرضا بن محمد بن علی اکبر بن میرزا محمد. اما در بارهٔ میرزا علی اکبر فیض، جدّ استاد، می‌دانیم که وی از نویسندگان و شاعران و خطاطان مشهور قم بوده است و کتیبهٔ ضریح آستانهٔ قم، به خط ثلث، از آثار اوست. وی تألیفاتی هم دارد، از جمله: ۱. جنگ و تذکره در ادبیات و حالات شعرای قم، ۲. دیوان اشعار (دیوان اشعار وی که مشتمل بر بیش از یک هزار صفحه و به خط زیبایی خود اوست، در کتابخانهٔ شخصی عباس فیض در قم نگاهداری می‌شود)، ۳. تاریخ قم (مخطوط) ۴. فرامین فتحعلی شاه. وی در ۱۳۱۲ ق در کر بلا وفات یافت و در همانجا مدفون شد (لغت نامه، ذیل «فیض، علی اکبر»).

آیت الله العظمی محمد فیض (ره)

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج میرزا محمد فیض، یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه و از بزرگترین فقهای امامیه، از احفاد حکیم ربّانی و عارف صمدانی مولانا محسن فیض کاشانی است. آیت الله فیض در سال ۱۲۹۳ ق در قم زاده شد. سطوح را در همانجا گذرانید و حکمت الهی و عرفان را نزد اساتید بزرگ فن چون آقای میرزا حسن جلوه فرا گرفت. در سال ۱۳۱۶ ق برای فرا گرفتن علوم نظری به عتبات عالیات عزیمت کرد و از محضر درس آیات عظام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی بهره کامل برد. وی پس از نیل به درجه اجتهاد، در سال ۱۳۲۵ ق برای بهره‌مندی از

اندیشه‌ها و تحقیقات مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی معروف به میرزای کوچک به سامره هجرت نمود و سالها از تحقیقات درس ایشان بهره برد و به تدریس علوم نظری و درس خارج مشغول گردید و در ردیف اول فضلاء اصحاب سامره قرار گرفت و بی‌نهایت مورد توجه و علاقه میرزای شیرازی واقع شد. در سال ۱۳۳۳ق به دعوت و اصرار اهالی قم به آن شهر مراجعت کرد و دارای ریاست عامه گردید. در سال ۱۳۳۶ق تصمیم به تأسیس حوزه علمیه قم گرفت. اجرای چنین تصمیمی در شهری چون قم که پس از رحلت عالم ربّانی، مرحوم میرزای قمی، متجاوز از یکصد سال، دوره قحط علمی خوانده شده بود با مشکلاتی همراه بود. در آن زمان بیشتر حجره‌های تحتانی فیضیه دارالشفاء، عملاً به انبار علاف و بقال و سوختدان حمام و منزلگه غربا و گدایان و طبقه فوقانی آنها به قهوه‌خانه عمومی و مرکز اجتماع جمعی از خوانین و اعیان آلوده به افیون تبدیل و از صورت مدرسه خارج شده بود. آیت الله فیض با تحمل رنج فراوان تمام حجرات را از چنگ غاصبان بیرون آورد و به تعمیر آنها همت گماشت و این دو مدرسه و مدرسه مهدیقلی خان را مسکن اهل علم گردانید و حوزه علمیه قم را سامان داد.

در سال ۱۳۴۰ق برای توسعه این تشکیلات و بسط دایره علوم و فرهنگ اسلامی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره) را که تا آن سال در شهر اراک اقامت داشتند، به قم دعوت کرد. وی این دعوت را با اعزام حجّة الاسلام آقای حاج میرزا سید حسن برقمی پیشنهاد صحن بزرگ قم به اراک مؤکد گردانید تا اینکه معظم له به قم هجرت کرد و تا سال ۱۳۵۵ق که چشم از جهان فرو بستند در قم اقامت داشتند و حوزه رونق بیشتری یافت.

پس از رحلت آیت الله حائری، آیت الله فیض مرجع تقلید شیعه گردید و در میان رساله‌های عملیه رساله‌ای مشتمل بر فتاوی آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و فتاوی آیت الله فیض یک جا منتشر و چند بار در تیراژ بالا تجدید چاپ شد. در میان رساله‌های عملیه، تنها رساله ایشان بود که با رساله مرحوم سید یکجا چاپ شده بود، زیرا هر دو از اصحاب سامرا و شاگردان یک مکتب و مرجع احتیاطات مرحوم آیت الله میرزای شیرازی به شمار می‌آمدند. گفتنی است آیت الله اصفهانی نیز مانند آیت الله شیرازی، در

زمان حیات خود احتیاطات خود را به آیت‌الله فیض ارجاع کرد. آیت‌الله فیض در روز سیزدهم اسفند ۱۳۲۹ ش دار فانی را وداع گفت و در قم در ایوان صحن کوچک به خاک سپرده شد.

در مجلس ختم آن فقید سعید در مسجد امام تهران (مسجد شاه)، رزم آرا نخست وزیر وقت که عامل اجرای سیاست استعماری بود ترور شد و زمینه حکومت ملی به رهبری آیت‌الله کاشانی و نخست وزیری دکتر مصدق فراهم گردید و از همین رو به آیت‌الله فیض، منجی ایران لقب داده‌اند.

از تألیفات او می‌توان ذخیره، حاشیه بر عروة الوثقی، مناسک فیض، مناسک حج، و الفیض را نام برد. الفیض کتاب تحقیقی و استدلالی مهمی است که در آن چند مسأله، از جمله عدم انفعال آب قلیل و عدم تنجیس متنجس بررسی شده است. مناسک فیض نیز از ارزش و امتیاز والایی برخوردار است و چون برطبق اجماع و شهرت فقهای بزرگ، از شیخ طوسی تا این زمان، نوشته شده، هر کس بدان عمل کند در واقع به فتوای همه فقهای شیعه عمل کرده است. کتاب الفیض که یک بار در تیراژ دو هزار نسخه چاپ شده و کتاب مناسک فیض که پنج بار تجدید چاپ گردیده، اکنون نایاب است.

استاد دکتر علیرضا فیض

استاد دکتر علیرضا فیض در سال ۱۳۰۴ ش در قم دیده به جهان گشود. دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساند. وی از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۲ ش در حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس علوم اسلامی سرگرم بود. همزمان، در سال ۱۳۳۲ ش دوره لیسانس رشته فلسفه دانشکده الهیات را با موفقیت به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ به دوره دکتری فلسفه (معقول) راه یافت و در سال ۱۳۴۲ ش پایان نامه خود را با عنوان «انتقاد از منطق ارسطو» با درجه عالی گذرانید و به اخذ درجه دکتری نایل آمد.

در سال ۱۳۳۶ که دانشجوی دوره دکتری بود، به تدریس در دانشکده الهیات دعوت شد. از آن زمان، ۴۳ سال می‌گذرد و ایشان در این مدت بی‌وقفه مشغول تدریس فقه و مبانی حقوق اسلامی در این دانشکده بوده و کما بیش با دانشکده‌های حقوق دانشگاه تهران و دانشکده قضائی و افسری و دانشگاه آزاد اسلامی همکاری علمی داشته است.

در سال ۱۳۵۸ ش که در پی انقلاب فرهنگی دانشگاهها تعطیل شد، استاد علاوه بر نظارت بر برنامه‌های درسی دانشکده افسری به تدریس حقوق جزا در آنجا پرداخت. در سال ۱۳۶۰ در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده افسری به عنوان استاد نمونه به حضور رئیس جمهور وقت (حضرت آیه... خامنه‌ای) معرفی شد و مورد تشویق قرار گرفت. همچنین در سال ۱۳۷۰ در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه تهران به عنوان استاد ممتاز دانشگاه از حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی ریاست جمهور آن زمان لوح افتخار و جوایزی دریافت کرد.

استاد دکتر علیرضا فیض در دروس سطح و خارج حوزه علمیه از محضر بسیاری از بزرگان بهره برده است که نام اساتید و رشته‌های درسی آنان در زیر می‌آید:

الف. در ادبیات عرب و معانی بیان و منطق و کلام: حجة الاسلام و المسلمین مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی، حجة الاسلام و المسلمین شیخ علی اصغر قزوینی، حجة الاسلام و المسلمین علوی گلپایگانی داماد آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، حجة الاسلام و المسلمین شیخ اسد الله نوراللهی اصفهانی.

ب. در فقه: حجة الاسلام و المسلمین شیخ علی اصغر اشعری قمی مدرس عروة الوثقی، حجة الاسلام و المسلمین شیخ عبدالرزاق قائینی مدرس شرح لمعه، آیت الله عباسعلی شاهرودی مدرس مکاسب شیخ در سطح و خارج.

ج. در اصول فقه: آیت الله حاج آقا رضا موسوی قمی (فرزند آقای حاج سید صفی) مدرس معالم الدین و قوانین، آیت الله حاج آقا روح الله کمال‌وند مدرس رسائل و کفایة الاصول و نیز آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی مدرس کفایة الاصول.

د. در خارج فقه: آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، آیت الله العظمی حاج میرزا محمد فیض، آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد تقی خوانساری.

ه. در خارج اصول فقه: آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد.

و. در فلسفه اسلامی: آیت الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی و سید محمد حسین طباطبائی. افزون بر این، مباحث مشکل فلسفه را از محضر رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) فراگرفت.

همچنین استاد دکتر فیض از مراجع بزرگ آن زمان چون آیات عظام حاج میرزا محمد فیض، حاج سید محمد تقی خوئی و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به اخذ درجه اجتهاد مفتخر گردید.

آثار علمی:

استاد دکتر فیض علاوه بر آثاری که مستقلاً تألیف یا ترجمه کرده، در تألیف و ترجمه برخی کتابها با نویسندگان دیگر همکاری نموده و به آنان یاری رسانده است. گفتنی است پاره‌ای از تألیفات استاد هنوز انتشار نیافته است. مجموع آثار بر جای مانده از ایشان در زیر می‌آید:

الف. تألیفات:

۱. مبادی فقه و اصول که در دانشکده‌های بسیاری تدریس می‌شود. اغلب چاپهای این کتاب بارها در تیراژ ده‌هزار توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده و چاپ دهم آن بزودی انتشار خواهد یافت.
۲. حقوق جزای عمومی اسلام که هنگام همکاری استاد با دانشکده افسری در چاپخانه آن دانشکده چاپ، و تاکنون سه بار تجدید چاپ شده و همچنان در آنجا و برخی دانشکده‌های دیگر تدریس می‌شود.
۳. حقوق جزای خصوصی اسلام که در چاپخانه دانشکده افسری چاپ شده و در آنجا تدریس می‌شود.
۴. تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام که چاپ اول و دوم آن در دو مجلد در انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ شده و چاپ سوم و چهارم آن در یک جلد انتشار یافته است و به زودی چاپ پنجم آن نیز منتشر خواهد شد. این کتاب نیز جزو کتابهای درسی دانشگاهی است و در دانشکده‌های الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌شود.

ب. ترجمه و تحقیق:

۱. ترجمه لمعه در دو جلد که در دانشکده‌های مختلف تدریس می‌شود. چاپ ششم آن به زودی در انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر خواهد گردید.
۲. ترجمه اللدیه بین العقوبه و التعویض که استاد به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ترجمه و تحقیق آن پرداخته است. استاد خود در این خصوص می‌گوید: نام آن را «دیه در میان مسئولیت مدنی و مسئولیت جنایی» نهاده و مقدمه‌ای مفصل برای آن نگاشته بودم که متأسفانه بعضی از اهل علم که نظارت بر کتابهای آماده به چاپ آنجا را داشتند، مقدمه را حذف کردند و نام کتاب را دیه گذاشتند و به چاپ آن اقدام کردند». اینک نسخ آن نایاب است.

ج. کتابهایی که با همکاری دیگران ترجمه، تصحیح یا تألیف شده‌اند:

۱. استاد در تنظیم و تألیف لغت نامه دهخدا که گروهی از استادان در تألیف آن شرکت داشته‌اند بیش از دوازده سال همکاری داشته و ثمره این همکاری، بیش از دوازده جزء از فرهنگ مزبور است که در مقدمه لغت نامه از این همکاری سخن به میان آمده است.

۲. تحقیق و تصحیح کتاب *التحصیل* تألیف بهمنیار بن مرزبان شاگرد برجسته ابن سینا (از آثار بارزش استاد شهید آیت الله مطهری) که استاد فیض در بخش منطوق آن) با استاد مطهری همکاری داشته است. استاد مطهری خود در مقدمه کتاب *التحصیل*، در صفحه ط نوشته است: از استادان محترم دانشکده الهیات جناب آقای مصلح و جناب آقای دکتر فیض ... سپاسگزارم که در مقابله و تصحیح قسمتی از منطوق کمک کرده‌اند».

د. تألیفات منتشر نشده:

۱. شرحی انتقادی بر قانون حدود و تعزیرات که استاد به توصیه دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تألیف آن همت گماشت.

۲. ویژگیهای فقه ملامحسن فیض.

۳. اجتهاد در راه نوی که در پیش دارد.

۴. اجزاء و اجماع و اجتماع امر و نهی.

افزون بر اینها استاد بیش از ۱۰۰ مقاله علمی و تحقیقی به رشته نگارش کشیده که، بیشتر آنها در مجله مقالات و بررسیها، و بقیه در مجلات دیگر از قبیل *کیهان اندیشه*، *کیهان فرهنگی*، مجله حضور و برخی روزنامه‌های کثیرالانتشار به چاپ رسیده است.